

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۵ مارچ ۲۰۲۳



محمد محق

موافقتنامه دوحه، گفته ها و نگفته ها

در روزهای گذشته طالبان سالگرد امضای موافقتنامه شان با ایالات متحده امریکا را تجلیل کردند. این اولین بار نیست که چنین معاهداتی در این کشور و یا در باره این کشور به امضاء می‌رسد. دست کم از سال ۱۸۰۹ که شاه شجاع با حکومت هند بریتانوی معاهده‌ای را امضاء کرد تا امروز دهها معاهده، به شمول معاهده دیورند و گندمک، با محتویات گوناگون به امضاء رسیده است. براینده این معاهدات اما چیزی نبوده است که به خوشبختی، پیشرفت و رفاه مردم افغانستان بینجامد و این کشور را اندکی از قعر تاریخ رهائی بخشیده، به گدائی گری پایان داده و وضعیتی عادی را به این جامعه ارمغان کند.

چرا این همه معاهده و موافقتنامه و پیمان به امضاء می‌رسد اما نه از فقر و جهل و بی سوادی مردم کاسته می‌شود و نه از بی ثباتی و عقبانندی و بی سرنوشتی کشور؟ بدون شک عوامل متعددی در پس این امر قرار دارد، اما یکی از مهمترین آن‌ها غیاب مردم از صحنه بوده است، زیرا نهادهائی وجود نداشته‌اند که مشارکت مردم را در سرنوشت همگانی تسهیل و اراده آنان را تمثیل کنند. حاکمانی که در این مدت روی کار آمده‌اند، دست کم از زمان شاه شجاع به این سو، همه به درجائی وابستگی به حمایت خارجی داشته‌اند نه پشتوانه داخلی، و اگر در دوره‌هائی کوتاه این وابستگی و آن حمایت کاهش یافته است آن حاکمان رو به زوال نهاده‌اند. محتوای بسیاری از معاهدات گذشته دریافت کمک مالی از بیگانگان در بدل تأمین منافع آنان در منطقه و مشارکت نیابتی در رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. از همین رو، در قرن نهم سرنوشت افغانستان در توافق‌های لندن و سن‌پترزبورگ تعیین می‌شد، در قرن بیستم در جنیوا و نیویورک، و در قرن بیست و یکم در یُن و دوحه.

شوم‌ترین معاهده برای ما موافقتنامه دوحه است، زیرا تأثیر مستقیم بر سرنوشت کنونی ما دارد. در اثر آن یک دولت فروپاشید، یک ملت بی سرنوشت شد و یک کشور به باتلاق تروریسم فروغلتید. در اثر این وضعیت صدها هزار نفر، به شمول هزاران عضو کدر علمی و تخصصی در عرصه‌های مختلف آواره گوشه و کنار جهان شدند. محرومیت

میلیون‌ها دختر از حق ادامه تحصیل، محرومیت میلیون‌ها زن از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی، فرو خفتن شعله‌های کم جان دانش و پژوهش، به اضافه سرازیر شدن هزاران تروریست به افغانستان، بخشی از دستاوردهای این موافقتنامه بود و پیامدهای دیگرش همچنان در راه است.

اگر چه همه بندهای آن موافقتنامه علنی نشد و مثل همیشه مردم از سرنوشتی که برای شان رقم زده شد بی‌خبر ماندند، اما یک بخش از مفاد این موافقتنامه معطوف به فعالیت القاعده و گروه‌های تروریستی در افغانستان بود. امریکائی‌ها گفتند که طالبان تعهد کرده اند تا مانع فعالیت این گروه‌ها در مناطق تحت کنترل خود شوند. طالبان می‌گویند ما تعهد کردیم که از حمله آنان بر امریکا و منافعش جلوگیری کنیم و به این تعهد خود وفاداریم، اما حضور آنان در افغانستان و سایر فعالیت‌هایی که زبانی را متوجه امریکا نمی‌کند شامل این موافقتنامه نیست. این که حقوق مردم افغانستان چه وضعیتی پیدا می‌کند و این‌که روابط طالبان با سایر گروه‌های تروریستی چه سبک و سیاقی به خود می‌گیرد و این که جایگاه افغانستان در منطقه و جهان به کجا خواهد رسید بخشی از نگفته‌های فراوان این موافقتنامه بود.

طالبان هنگامی حق دارند به توافقات خود با امریکا افتخار کنند که از وابستگی رهائی یابند، به عزت مردم افغانستان ببینند، به حقوق‌شان باور داشته باشند و حق تعیین سرنوشت را به آنان بازگردانند. تعهد به حفظ منافع دیگران و تکرار نسخه‌ای مذهبی از سناریوی شاه شجاع مایه افتخار نیست.